

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۴۴

جمعه ۲ بهمن ۱۳۹۴، ۲۲ ژانویه ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

شکاف بین فقر و ثروت همچنان رو به افزایش است

نومیدی از برجام!

رویگردانی از مذهب در اروپا و در ایران

صفحه ۵

چند نوشته کوتاه

تقابل دین و رفاه

ترس از لباس

بیمارستان، نوزاد را گرو گرفت

اولاند و یک بام و دو هوا

این استخر شنا برای ما است

انسانیت موج می زند

کیوان جاوید

صفحه ۸

شما به اعدام احترام بگذارید

ما هم به شما!

کاظم نیکخواه

صفحه ۹

۱۲ زندانی محکوم به اعدام را دو بار

به سلول مرگ منتقل کردند و

بازگرداندند!

صفحه ۱۰

شرایط سیاسی و اقتصادی ایران

پس از برجام

گفتگو با حمید تقوایی

صفحه ۲

کمپین کذایی "لغو نظارت استصوابی" و توضیحات منصور اسانلو

شهلا دانشفر

صفحه ۳

جان تک تک کارگران عزیز است

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

فراخوان به کارگران و مردم ایران و سازمان های کارگری

به دفاع از ۹ کارگر معدن بافق برخیزیم

صفحه ۶

کارگران پتروشیمی های اراک، تبریز،

اصفهان و ماهشهر

دست به اقدام مشترک زدند

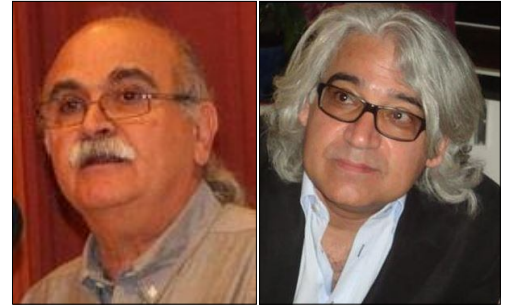
صفحه ۷

کارگران مس سرچشمه هم

با خانواده ها آمدند

صفحه ۷

## شرایط سیاسی و اقتصادی ایران پس از برجام گفتگو با حمید تقوایی



حسن صالحی: پس از اعلام اجرای برجام و لغو تحریم های اتمی جمهوری اسلامی دو طرف از کارساز بودن فعالیت دیپلماتیک در ارتباط با حل مناقشات منطقه ای حرف می زنند. باراک اوباما گفت: "من اصرار داشتم درباره ایران به دیپلماسی برگردیم. قبلا کندی، ریگان و دیگران هم از این روش استفاده کردند." همچنین حسن روحانی گفت: "برجام به این معناست که دو طرفی که با هم اختلاف دارند، می توانند از طریق مذاکره اختلافها را حل و فصل کنند". با اینحال اوباما اضافه کرد: "حتی با اجرای توافق، می دانیم که اختلافات جدی بین ما و ایران وجود دارد. ایران منطقه را بی ثبات می کند و اسرائیل را تهدید می کند. حقوق بشر را نقض کرده و از تروریسم حمایت می کند." از آن طرف روحانی هم تاکید کرد: "مردم ظلم و بدعهدی های فراوانی از آمریکا دیده اند و بنا نیست تنها به خاطر برجام به آمریکا اعتماد کرد." می خواهم پرسیم که شما آینده روابط جمهوری اسلامی و آمریکا را پس از برجام چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: موضوع برجام خنثی کردن دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است و نه کل روابط آمریکا و یا غرب با جمهوری اسلامی. رژیم تحت فشار تحریمها و انزوای اقتصادی ناگزیر شد پروژه ای که صد ها میلیارد دلار

غربستیزی يك خصوصیت هویتی و يك امر استراتژیک برای جمهوری اسلامی است و این مهمترین مانع بر سر راه نه تنها "عادیسازی رابطه با غرب" - امری که روحانی پس از امضای توافق لوزان بر آن تاکید میکند و خامنه ای مدام علیه آن موضع میگیرد و هشدار میدهد - بلکه مانع مهمی است در برابر آنچه حتی بعنوان نتیجه برجام - یعنی گشایش اقتصادی و گسترش سرمایه گذاری در ایران - به آن دل بسته اند.

حسن صالحی: اجازه بدهید مشخصا به همین جنبه اقتصادی بپردازیم. با لغو تحریم های اتمی علیه جمهوری اسلامی منابع مالی قابل توجهی که قبلا مسدود بودند آزاد خواهند شد و همچنین محدودیت صادرات نفت نیز برداشته می شود. حسن روحانی از "ثبات" در اقتصادی ایران حرف زده است و اینکه پول حاصل از لغو تحریم ها به همراه تسهیلاتی که برای تجار و بخش خصوصی پس از پایان تحریم ایجاد می شود موجبات رشد اقتصادی کشور را فراهم خواهد آورد. آیا واقعا دوران پسا برجام دوره شکوفایی در اقتصاد ایران خواهد بود؟ آیا بعنوان مثال اشتغال بیشتر و از میزان بیکاری کاسته خواهد شد؟ و آیا سرمایه گذاران خارجی ایران را برای سرمایه گذاری امن و با ثبات می دانند؟ (روحانی گفت تا کنون ۱۵۰ شرکت از ۵۰ کشور برای سرمایه گذاری به ایران آمدند)

حمید تقوایی: شرایط "امن و با ثبات" برای سرمایه گذاری اساسا امری سیاسی است. نفس غیر تسلیحاتی شدن پروژه هسته ای و لغو تحریمها و آزادی منابع مالی مسدود شده، جمهوری اسلامی را به نظامی "امن و با ثبات" برای سرمایه گذاری تبدیل

نمیکنند. (هم اکنون جمهوریخواهان و منتقدین برجام در آمریکا اظهار نگرانی میکنند که منابع مالی آزاد شده صرف فعالیتهای تروریستی رژیم در منطقه بشود). ممکن است شرکتهای زیادی قصد سرمایه گذاری در ایران داشته باشند اما این هنوز چیزی را نشان نمیدهد. باید دید چه تعدادی نهایتا شرایط را برای سود آوری مناسب می یابند. شرایط نامساعد برای سرمایه گذاری در ایران با تحریمها شروع نشده است که با لغو آن بر طرف بشود.

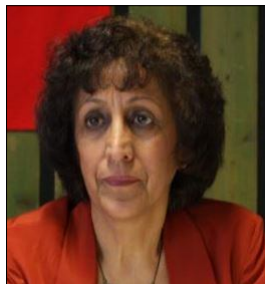
نظام جمهوری اسلامی از همان آغاز و مدتها قبل از فعالیتهای هسته ای و اعمال تحریمها وضع اقتصادی وخیم و بی ثباتی داشت. امروز حتی مقامات دولت روحانی اعتراف میکنند و هشدار میدهند که رکود اقتصادی تشدید شده و اقتصاد به آستانه فلج کامل رسیده است و رفع تحریمها معجزه ای نخواهد کرد.

به نظر من علت این امر در پایه ای ترین سطح این واقعیت سیاسی است که جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدن تنها با ضد آمریکائیگری و مرگ بر شیطان بزرگ میتوانست خود را سر پا نگهدارد و امروز هم بقای رژیم در گرو ادامه همین غربستیزی و بویژه جهتگیری ضد آمریکائی- ضد اسرائیلی گری است. این خط و جهتگیری اجازه نمیدهد جمهوری اسلامی در سیاست و بازار جهانی ادغام بشود و موقعیتی حتی شبیه مراکش و اردن و ترکیه بدست بیاورد. امروز این تناقض به پارادوکس لاینحلی برای رژیم تبدیل شده است: از یکسو برای سهیم شدن در بازار جهانی و نجات از فلج و ورشکستگی کامل اقتصادی ناگزیر به عادیسازی رابطه با غرب است و

از سوی دیگر برای حفظ هویت و موقعیتش در خود جامعه ایران، در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی، نمیتواند دست بکشد. جناح روحانی - رفسنجانی و جناح خامنه ای - اصولگرایان دو سوی این تناقض را نمایندگی میکنند.

عامل دیگری که مانع شرایط امن و با ثبات برای کارکرد سرمایه ها است وضعیت ویژه اقتصادی ای است که در اثر بیش از سه دهه در انزوا و در حاشیه قرار گرفتن در ایران شکل گرفته است. یعنی يك اقتصاد مافیائی مبتنی بر ارز دو نرخ، قاچاق و بازار سیاه، رانت خواری، دست انداختن باندهای حکومتی و آیت الله های میلیاردر و وابستگانشان بر منابع ثروت و بنادر و فرودگاهها، سلطه و کنترل سپاه و فعال مایشائی آن بر بیش از هفتاد درصد اقتصاد کشور، دزدی و فساد بیسابقه و منحصر بفردی - بیسابقه و منحصر بفرد هم در تاریخ معاصر ایران و هم در مقایسه با کشورهای دیگر - که سرتاپای نظام را فراگرفته است و غیره! این يك نوع سرمایه داری متناظر با مرگ بر آمریکا است که شرایط را برای کارکرد و سودآوری سرمایه های خارج از این سیستم مافیائی نا امن و بی ثبات میکند. این واقعیت را در تحلیلها و ارزیابی های کارشناسان اقتصادی غرب و حتی اعضای کابینه روحانی در چند ماه اخیر نیز میتوان مشاهده کرد (بعنوان نمونه رجوع کنید به یادداشت کوتاه من در مورد نامه سرگشاده چهار وزیر دولت روحانی و گزارش بلومبرگ نیوز در اکتبر سال گذشته).

در آخر باید بر يك نکته دیگر



## کمپین کذایی "لغو نظارت استصوابی" و توضیحات منصور اسانلو

شهلا دانشفر

کمپین موسوم به "لغو نظارت استصوابی" آشکارا کمپینی در جهت داغ کردن تنور مضحکه انتخابات رژیم است. این کمپین همانطور که در نوشته ای دیگر اشاره کردم بدنبال بیانیته همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در باره انتخابات مجلس دهم که طیفی از جریان‌های راست ملی اسلامی و سندیکالیست امضا کنندگان اصلی آن هستند، به راه افتاده است. لب سخن این بیانیته و کارزار برای لغو نظارت استصوابی خواست انتخابات "آزاد و دمکراتیک" از دولت به استناد موادی از "قانون اساسی" جمهوری اسلامی است. انتخابات آزاد و دمکراتیک نیز برای اینان یعنی لغو نظارت استصوابی به عنوان گامی برای رفتن تدریجی بسوی "حاکمیت ملی" که با تایید صلاحیت کاندیداهاشان با تمام قوا پای صندوق های انتخاباتی مجلس اسلامی خواهند رفت. در همین راستاست که سه نفر به اسامی حشمت الله طبریزی، کورش زعییم، هرمیداس باوند برای نمایندگی در مجلس کاندید شده اند. و اگر این کاندیدها در نظارت استصوابی رد صلاحیت شدند، در انتخابات شرکت نخواهند کرد. ضمن اینکه خودشان نیز یک صندوق انتخاباتی آن لاین به راه انداخته اند، که کارشان را حرکتی جدا از دولت قلمداد کرده و برای خود مشروعیت بخزند و شمار امضاهاشان را افزایش دهند. جالب اینجاست که بعد از انتشار بیانیته شان، اکنون دیگر فوکوس تبلیغاتشان بر روی "انتخابات آزاد و دمکراتیک" است و هیاهوی بسیاری نیز بر سر آن به راه انداخته اند، تا اصل قضیه یعنی انتخابات برای مجلس اسلامی که یکی از ارکان

سیستم سرکوب و جنایت حکومت اسلامی است و مجلس خبرگان که بخش دیگری از دستگاه حاکمیت رژیم اسلامی است، را از چشم دور دارند. رجوعشان نیز به قانون اساسی حکومت اسلامی است. قانونی که بنیاد های پایه ای حکومت اسلامی را تشکیل داده و با جاری کردن قوانین اسلامی ستمکشی بر زن، تبعیض و نابرابری در جامعه و قرار دادن صنعت مذهب در خدمت استعمار افسار گسیخته کارگران و کل جامعه را نهادیه کرده است. آیا درایت زیادی لازم است که کسی تا انتهای این داستان را بخواند؟

برای نمونه منصور اسانلو یکی از سازماندهندگان اصلی این حرکت است. ایشان در رابطه با این داستان در نوشته ای تحت عنوان "هم وطن درک من از تلاشی که میکنم اینست که" محور تبلیغاتش را روی "صندوق رای انتخابات دمکراتیک" به عنوان اقدامی در مقابل آنچه آنرا "انتخابات حکومتی" میخواند قرار داده است.

باید از ایشان و همه مهندسين چنین طرحهایی پرسید که فرض کنید نظارت استصوابی لغو شد، فرض کنید که کل طرح شما نیز به اجرا گذاشته شد و سه نماینده منتخب شما به مجلس اسلامی راه یافتند، آنها بطور واقعی در مجلس اسلامی که وظیفه اش تصویب قوانین بر اساس نص صریح قرآن و قانون اساسی است، میتوانند چه کنند؟ آیا این هیاهو ها چیزی جز داغ کردن تنور انتخابات رژیم اسلامی و کل این مضحکه است؟

منصور اسانلو در نوشته خود در توضیح این کارزار و حقانیتش به پیوستن شماری از زندانیان

سیاسی و چهره های کارگری سرشناسی چون بهنام ابراهیم زاده که هم اکنون در زندان رجایی شهر بسر میبرد اشاره میکند، تا بلکه دستمایه ای برای تبلیغات انتخاباتی اش باشد. اما همزمان با این ادعا ما شاهد پیام صوتی اعتراضی آقای ارژنگ داودی از زندان هستیم که پیوستن خود به این کمپین و امضای بیانیته از جانب خودش را تکذیب میکند. همچنین بهنام ابراهیم طی بیانیته ای خواستار برداشتن امضای خود و پدرش آقای رحمان ابراهیم زاده از این لیست میشود. در بخشی از این بیانیته که به امضای بهنام ابراهیم زاده و رحمان ابراهیم زاده پدر بهنام است چنین آمده است:

"ما در جریان متن کامل این بیانیته نبوده ایم. خصوصا در بخشی از این بیانیته با استناد به قانون اساسی از دولت خواسته شده است که شرایط انتخاباتی دمکراتیکی را فراهم کند. ما آنرا توهمی بیش نمیدانیم و شاید مخالف آنیم. انتخابات ها برای من به عنوان کارگری که جوانیم را در زندان گذرانده ام، برای من که همسر و خانواده ام همراه با من در زیر فشار و آزار دائم قرار داشته اند، جایی ندارد. انتخابات برای ما کارگران که نپرداختن دستمزد به روشی معمول در جامعه تبدیل شده است و سی و چند سال است که زندگی زیر خط فقر فرزندانمان و جانمان را تپاه کرده است، معنا و مکانی ندارد. این چیزی است که داریم با اعتراض هر روزه مان در کارخانجات مختلف فریاد میزنیم. این چیزی است که من و امثال من باخاطرش در زندانیم. ما در این انتخابات شرکت نمیکنیم. ما به آنچه بر سر من کارگر و توده محروم مردم آمده است اعتراض دارم."

این دو نمونه تصویر روشنی از امضاهای گردآمده حول بیانیته "همبستگی برای دموکراسی و..." حول انتخابات دهم را بر ملا میکند.

جالب است منصور اسانلو در نوشته توضیحی خود مینویسد که برای گسترش این کارزار منتظر رد صلاحیت های شورای نگهبان هستند تا تعداد دیگری از رد صلاحیت شده ها را هم به "صندوق انتخابات آزاد و دمکراتیک" دعوت کنند. و با حضور هواداران و پشتیبانان کاندیداهای ملی اسلامی و دو خردادی رد صلاحیت شده ها، که به آنها می خواهند رای بدهند، دامنه کارشان گسترده تر شود.

همین امید و انتظار که مشتی آخوند و افراد حکومتی رد صلاحیت شده به جمعشان پیبوندند، بیش از بیش ماهیت و محتوای کارزار کذایی لغو نظارت استصوابی را نشان میدهد.

اگر چه نزاعهای باندهای مختلف حکومتی آنچنان بالا گرفته است که آن بخش از اصلاح طلبانی که هنوز امیدی برای زیستن در حاشیه حکومت را دارند، بعید است که طرحهای بچه گانه این جماعت را جدی بگیرند. چطور که یکی از اینان در پاسخ به سوالی که در مورد احتمال رد صلاحیتش طرح شده بود، پاسخش این بود که ما تلاشمان را میکنیم که این چنین نشود ولی اگر رد صلاحیت هم شدیم با صندوق انتخابات که نباید قهر کرد.

البته این اولین بار نیست که آقای منصور اسانلو در جریان مضحکه های انتخاباتی رژیم چنین به تقلا می افتد. او در سال ۸۶ نیز در جریان نمایش انتخاباتی مجلس هشتم جمهوری اسلامی حتی از درون زندان

حمایت خود را از نامزدهای "ائتلاف اصلاح طلبان" اعلام داشت. و گفت: "معتقدم با این که اصلاح طلبان شاید در برخی مواقع عمل کرد مثبتی نداشتند، اما بهترین راه برای حفظ آرمان های انقلاب ۵۷ حمایت از یاران خاتمی و اندیشه خاتمی است. در حالیکه که فقط يك قلم از عملکردهای حکومت در دوره ریاست جمهوری خاتمی "اصلاح طلب" به گلوله بستن صف اعتراض کارگران خاتون آباد توسط نیروهای جمهوری اسلامی از زمین و هوا بود که علیه بیکارسازیها به خیابان آمده بودند و برای يك فعال جنبش کارگری همین کافی بود که اگر هم توهمی نسبت به این آخوند رده بالای جمهوری اسلامی داشته است، آنرا دور بریزد.

اما واقعیت اینست که تشدید نزاعهای درون حکومت از یکسو و گسترش اعتراضات کارگری و فضای اعتراضی انفجاری جامعه زمینه سر بلند کردن کارزارهایی از نوع کمپین برای لغو نظارت استصوابی است. این "کارزار" و بیانیته همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در باره انتخابات مجلس دهم، در واقع جنب و جوشی از جانب نیروهای راست و ملی اسلامی و در ادامه جدالهای درون حکومت و تلاشی برای حفظ نظام موجود است.

بنظر ما در انتخابات حکومت نه باید شرکت کرد و نه باید آنرا تحریم کرد و منفعل ماند. باید فعالانه در مباحثی که در مدیای اجتماعی و در کوچه و خیابان و همه جا در این زمینه ها بیاست شرکت کنیم و با افشای تبلیغات پوچ حکومتی و همچنین جریان های اصلاح طلب و توده ایستی و راست بساط

## شرایط سیاسی و اقتصادی ایران پس از برجام

هم تاکید کنم. حتی اگر فرض بگیریم که علیرغم موانع فوق سرمایه گذاری در ایران گسترش پیدا کند، سودآوری و قابل رقابت بودن سرمایه ها مستلزم تشدید ریاضتکشی اقتصادی و لذا سفت کردن کسربندها و تحمیل کار شدید تر و دستمزد کمتر به کارگران است. براه افتادن چرخ سرمایه، یعنی سودآوری و تولید کالا با قیمت های قابل رقابت در اقتصادی که بیش از سه دهه است چرخهایش زنگ زده، تنها با "فداکاری" کارگران امکان پذیر است. حتی اگر رونقی برای سرمایه ها متصور باشد زندگی کارگران و توده مردم زحمتکش رونقی نخواهد داشت.

حسن صالحی: نمی شود منکر شد که تحریم های اقتصادی فشار معینی را بر زندگی مردم تحمیل می کرد و به این دلیل حزب کمونیست کارگری ایران همواره با تحریم اقتصادی مخالفت داشته است. طبعاً با برداشتن این تحریم ها کمی از این فشارها کاسته می شود. همانطور که مردم به درست در گفتگوهای روزانه خود می گویند این مردم عادی بودند که چوب تحریم ها را خوردند و نه سردمداران جمهوری اسلامی. ولی از همه مهمتر تحریم ها در دست جمهوری اسلامی بهانه ای بود که با توسل به آن خواستها و مطالبات حق طلبانه مردم را پایمال و سرکوب کند. این بهانه حالا کنار رفته است. بعد از لغوت تحریم ها عده ای از مردم می خواهند که دچار "زیاده خواهی" نشوند و بگذارند "آقای رئیس جمهور" کارش را بکند. در این مورد شما چه می گوئید؟

حمید تقوائی: تحریم ها گرانی و بیکاری و محرومیت و فقر در جامعه را تشدید کرده است و بهمین دلیل حزب ما همیشه مخالف تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی بوده است. اما رفع

تحریمها به معنی رونق اقتصادی و یا رفع معضلات معیشتی توده مردم نیست. با رفع تحریمها تضییقات و فشارهای ناشی از تحریمها هم رفع خواهد شد اما شرایط تازه میتواند به اعمال فشارها و تضییقات تازه ای بر زندگی کارگران و توده مردم منجر بشود. این تضییقات و فشارهای تازه همانطور که توضیح دادم ناشی از تامین شرایط کارکرد قابل رقابت و سودآور سرمایه (تشدید ریاضتکشی) است. دولت روحانی از زمان روی کار آمدن بمنظور مساعد کردن شرایط برای جذب سرمایه های خارجی سیاستهایی را در پیش گرفته و لوایح متعددی را به مجلس برده است که مضمون همه آنها را میتوان در کاهش سطح معیشت کارگران، قطع کامل یارانه ها، نفی حقوق صنفی کارگران، و بازگذاشتن دست بازار و کارفرما در انعقاد قرارداد و کلا شرایط کار و میزان دستمزد و سطح قیمتها (در یک کلام سیاست ریاضت اقتصادی) خلاصه کرد.

در مقابله با این وضعیت عدم تمکین و تعرض جامعه بویژه اعتراضات و مبارزات کارگری نقش تعیین کننده ای دارد. اگر صرفاً شرایط اقتصادی بعد از رفع تحریمها را در نظر بگیریم این شرایط مستلزم کاهش سطح معیشت کارگران و توده مردم کارکن است، اما ملزومات اقتصادی تعیین کننده تحولات و تغییرات نیست. عامل تعیین کننده اعتراض و مبارزه است. به این دلیل است که گفتم این شرایط "میتواند" به وخیم تر شدن شرایط زندگی کارگران منجر بشود؛ میتواند اگر مبارزه و مقاومتی صورت نگیرد. زمینه های این مبارزه امروز بیش از هر زمان فراهم است. همانطور که اشاره کردید با رفع تحریمها بهانه حکومت در توجیه وضعیت وخیم اقتصادی و گرانی و بیکاری و

فلاکت از بین می رود و بر همه معلوم میشود که عامل و مسئول این مسائل تحریم و اقتصادی نیست، بلکه خود سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی است. این وضعیت شرایط مساعدی برای تعمیق و گسترش اعتراضات اجتماعی بخصوص پیشرویهایی جنبش کارگری فراهم میکند.

در یک بعد وسیعتر، مساله پروژه هسته ای و تحریمها و سایر عواقب آن را باید یک موضوع انحرافی و ظرف و محملی برای تحت الشعاع قرار دادن مسائل واقعی مردم و مسخ و تحریف این مسائل بحساب آورد. مردم بدنبال حق مسلم "منزلت معیشت" هستند اما تا امروز رژیم میتواند کشمکش هسته ای و نفی "حق مسلم انرژی هسته ای" از جانب دول غربی را علت مصائب مردم قلمداد کند. با بسته شدن پرونده پروژه هسته ای این محمل و تحریف نیز خنثی میشود. آنچه مقامات حکومتی "زیاده خواهی" مردم مینامند در واقع بجالش کشیده شدن حکومت برای تحقق خواستها و مطالبات برحق است که تا کنون به بهانه تحریمها نقض و پایمال میشده است. مردم زیاده خواه نشده اند حکومت بی توجیه شده است. دستمزد متناسب با سطح تورم، اشتغال و تامین اقتصادی، مسکن و تحصیل و بهداشت مناسب، حق تشکل و در یک کلام "معیشت و منزلت" ای که مردم ایران خواهان هستند زیاده خواهی نیست بلکه حداقل شرایط یک زندگی انسانی در قرن بیست و یکم است. جمهوری اسلامی نه قادر و نه مایل به تامین این شرایط است. این حکومت باندهای مافیائی ای است که امرشان حفظ قدرت و حکومت خود و تامین منافع یک درصدیهای حاکم، آیت الله های میلیاردر و واعوان و انصارشان است و بس. رفع تحریمها و حتی عادی تر شدن رابطه با غرب در این واقعیت پایه ای تغییری ایجاد نمیکند، آنرا برجسته تر و عریان تر در انتظار توده مردم و در معرض تعرض آنان قرار میدهد.

حسن صالحی: طبعاً اجرای برجام بر معادلات داخلی خود

حکومت نیز تاثیر دارد. اخیراً رفسنجانی گفته است: "تا خواستیم جشن بگیریم ۶۰ درصد نامزدها را کنار گذاشتند". اختلافات حکومتی در اوضاع پس از برجام چه جهتی را طی خواهد کرد؟

حمید تقوائی: بعد از توافق لوزان دعوای جناحی بالا گرفت و همه چیز دال بر اینست که این مناقشات تشدید خواهد شد. این صرفاً کشمکشی بر سر سهم هر جناح در قدرت و ثروت نیست بلکه در یک تناقض واقعی ریشه دارد: تناقض بین بازگشت به بازار اقتصاد و سیاست جهانی و هویت و استراتژی غریبستیزانه جمهوری اسلامی. به نظر من این تناقض پایه ای در شرایط بعد از برجام مناقشات و کشمکشهای درونی بین جناحهای حکومتی را برماتب حادثر و شدیدتر خواهد کرد.

از سوی دیگر برجام و نفس طرح شدن و گفتمان نزدیکی با غرب در پیچه تازه ای برای اعتراضات و مبارزات مردم باز میکند. انتظار و توقع و تعبیر مردم از نزدیکی با غرب کاملاً نقطه مقابل هدف و چشم انداز جناحهای حکومتی است. مردم از نزدیکی با غرب بهبود شرایط اقتصادی، آزادیهای سیاسی و تحقق نرهما و قوانین و مناسبات مدنی و مدرن و امروزی را میفهمند و میخواهند. و همین امر "خطر" گسترش اعتراضات و خیزشهای اجتماعی و شورشها و

از صفحه ۳

## کمپین کذایی "لغو نظارت استصوابی" و ...

چنین بالا گرفته است، بهترین فرصت است که حول خواستهای سراسری مان گرد آییم و اعتراضاتمان را در تمام عرصه ها گسترش دهیم. گسترش اعتراضات ما مردم و سازمانیابی صف مبارزاتمان، ایستادن در مقابل سرکوبگری های رژیم، حمایت از مبارزات یکدیگر پاسخ درخور ما به این رژیم و مضحکه انتخاباتش است.\*

تبلیغاتی شان را افشا کنیم. هر کجا که برای کاندیدهای انتخاباتی برنامه تبلیغاتی گذاشته میشود، تجمعات آنرانتیوی خودمان را به پا کنیم و با بدست گرفتن خواستها و مطالباتمان چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد، نه به اعدام، برابری زن و مرد، معیشت منزلت حق مسلم ماست، و غیره و غیره بساط انتخاباتی شان را مختل کنیم. بویژه در شرایطی که جنگ و نزاعشان

## یادداشت‌های هفته

امید تقوایی

### شکاف بین فقر و ثروت همچنان رو به افزایش است

موسسه خیریه و توسعه بین‌المللی "آکسفام" در گزارش سالیانه خود اعلام کرد است که ۶۲ نفر از ثروتمندترین مردم جهان (یعنی کمتر از یک صد میلیونیم جمعیت دنیا) باندازه ۵۰ درصد مردم دنیا ثروت دارند. سال گذشته تعداد این ثروتمندان ۸۰ نفر بود و در سال ۲۰۱۰، ۳۸۸ نفر. یعنی شکاف بین فقیر و غنی مدام رو به افزایش داشته است و مدام ثروت بیشتری در دست افراد کمتری انباشته شده است. بنا بر این گزارش در ظرف ۶ سال گذشته دارایی ۵۰ درصد مردم دنیا ۴۱ درصد کاهش یافته و ثروت ۶۲ نفر ۵ برابر شده است. در حال حاضر ثروت این ۶۲ نفر به ۱۷۶۰ میلیارد دلار بالغ میشود!

این فاصله عظیم و رو به افزایش بین فقر و ثروت، برخلاف آنچه آکسفام و دیگر موسسات خیریه سرمایه داری میخواهند وانمود کنند، از غیرعالانه بودن توزیع ثروت ناشی نمیشود. این نابرابری عظیم و تکانه‌دهنده در سیستم تولیدی سرمایه داری ریشه دارد. اساس مساله اینست که ثروت نجومی چند ده نفر ثمره کار و دسترنج کارگرانی است که جزو فقیرترین مردم دنیا قرار دارند. ثروت مالتی میلیاردها از آسمان نازل نشده، از محصول کار کارگران دنیا ربوده شده است. این غارت دسترنج کارگران، یعنی استثمار نیروی کار بوسیله صاحبان وسائل تولید، اساس مناسبات تولیدی سرمایه داری است. این دزدی کاملاً "قانونی" و

مشروع و مورد تایید و حمایت همه دولتها و نهادها و قوانین کشوری و بین‌المللی از جمله آکسفام و دیگر موسسات "خیرخواه" سرمایه داری است. در نظامهای دیکتاتوری نظیر جمهوری اسلامی این دزدی قانونی و رسمی با غارت و چپاول مستقیم و غیر رسمی اموال و دسترنج مردم بوسیله مقامات و باندهای حکومتی بمراتب تشدید میشود و ابعاد نجومی عظیم تری بخود میگیرد. بنا به گزارش رویتر تنها ثروت خامنه‌ای به ۹۵ میلیارد دلار و ثروت بقیه افراد خانواده اش به ۳۲ میلیارد دلار بالغ میشود. این رقم را در کنار داراییهای هنگفت بقیه سران رژیم و ارقام هنگفت متعددی که خبر "گم شدن" آنها مدام از جانب رسانه‌های حکومتی رونمایی میشود قرار بدهید تا به چندین برابر ثروت بقیه مردم ایران برسید. در زمان شاه دربار و هزار فامیل وابسته به او در راس این استثمار و دزدی و چپاول قرار داشتند و در جمهوری اسلامی این "شغل شریف" چپاول مردم به بیت رهبری و آیت الله‌ها و سران حکومت منتقل شده است. در هر حکومت دیگری هم که بخواهد نظم سرمایه را در ایران حفظ کند همین بساط برپا خواهد بود. از بین بردن شکاف عظیم بین فقر و ثروت در ایران و در هر کشور دیگر دنیا تنها با برانداختن نظام سرمایه داری امکان پذیر است.\*

### رویگردانی از مذهب در اروپا و در ایران

بر اساس نظر سنجی‌ای که بوسیله انجمن اومانستهای ایسلند انجام شده رویگردانی از مذهب در آن کشور رو به افزایش است. در حال حاضر کمتر از ۴۰ درصد مردم ایسلند خود را مذهبی میدانند و در میان جوانان (افراد زیر ۲۵ سال) هیچکس به خدا اعتقاد ندارد! یعنی صد در صد جوانان ایسلند آتئیست هستند. خبر دیگری که هفته گذشته منتشر شد حاکی از آن است که ۶۲ درصد بریتانیایی‌ها هیچ مذهبی ندارند و تعداد کسانی که در این کشور به کلیسا میروند کمتر از یک میلیون نفر است. یعنی کمتر از ۲ درصد جمعیت.

این رویگردانی از خدا و مذهب و زدوده شدن خرافه دین

### نومیدی از برجام!

تورمی عمیقی به سر می برد. اما چرا اینطور است؟ چرا رفع تحریمها و باز کردن درها برای سرمایه گذاری خارجی نمیتواند معضل اقتصادی ایران را حل کند؟ در اظهار نظر متخصصین و مقامات جواب قانع کننده ای برای این سؤال پیدا نمیکنید. علت یابی آنها حداکثر از ناکار آمدی دولتهای قبلی و سوء مدیریت مسئولین فعلی و ناهمدلی بین جناحهای حکومتی فراتر نمیرود. اما مساله عمیق تر و فراتر از این است. مشکل نفس جمهوری اسلامی و اسلام ضد غربی اش و اقتصادی مافیائی است که جزئی از هویت و ساختار این حکومت است. آقای یوسفی در پایان سخنانش تاکید میکند که:

"برجام فقط می تواند امکاناتی فراهم کند که نحوه استفاده از آن امکانات به سیاست های مسئولین باز می گردد و گشایشی در وضعیت مردم ایجاد نمی کند چون سیاست های فعلی متناقض و در برخی موارد بی ثبات است و متأسفانه باید گفت امید یوسفی برای تغییر هم وجود ندارد."

در چارچوب نظام فعلی امیدی وجود ندارد. ولی تغییری که مردم به آن امید بسته اند، آنچه انگیزه و نیروی محرکه مردم در مقابله با وضعیت موجود است، جمع کردن کل بساط جمهوری اسلامی است. این تنها امید واقعی و امکانپذیر برای بهبود شرایط به نفع توده مردم است.\*

"متأسفانه ویژگی های اقتصادی ایران چنان ناامید کننده است که علی‌رغم اهمیت این توافق، نمی توان احتمال داد که برجام بتواند امیدی برای بهبود شرایط اقتصادی مردم فراهم کند. خیلی از مشکلات اقتصاد ایران ربطی به برجام ندارد. به طور مثال فساد موجود در اقتصاد کشور یا موضوع رشوه در نهادهای مختلف و کاغذبازی های بی مورد اداری هیچ ربطی به برجام ندارد."

محمدقلی یوسفی استاد اقتصاد این نوع اظهار نظر استادان و کارشناسان اقتصاد در ایران حاکی از آنست که برخلاف آنچه بعد از توافق وین دولت روحانی و طرفدارانش سعی داشتند به مردم بقبولانند گشایش و رونق و شکوفائی ای در کار نیست. تشخیص داده اند که نباید توقع و انتظارات را بالا برد و صاحبظران و استادان و کار بدستان اقتصاد جلو افتاده اند که بمردم بگویند وضع اقتصادی خراب تر از این حرفهاست، دل خودتان را خوش نکنید! میگویند نه تنها در شرایط اقتصادی مردم بلکه در شرایط کارکرد سرمایه‌ها نیز بهبودی رخ نخواهد داد.

اگرچه برجام فرصت سرمایه گذاری خارجی فراهم می کند اما آنها ناشی که نیستند و شرایط داخلی را ارزیابی می کنند و می‌سنجند و بعد تصمیم می‌گیرند و بنابراین باید گفت با اجرای برجام شاهد تحول جدی در اقتصاد نخواهیم بود، به خصوص که اکنون اقتصاد ایران در شرایط رکود

در مدیای اجتماعی و حتی در شکوه و شکایت مقامات حکومتی از هجمه فرهنگی غرب و رویگردانی جوانان از نماز و روزه و غیره به روشنی قابل مشاهده است. در جمهوری اسلامی نظر سنجی در مورد مذهب و خدا ممکن نیست اما همه شواهد و قرائن نشان میدهد که بمراتب کمتر ۴۰ درصد مردم خود را مذهبی میدانند، کمتر از ۲ درصد مردم به مسجد میروند و کلاً مذهب در نزد مردم ایران و بویژه جوانان حداکثر همان موقعیت و جایگاهی را دارد که در نزد مردم ایسلند و بریتانیا.\*

از تفکر و از جامعه روندی امید بخش و جزء لازم رهایی و آزادی بشریت است. این روند تنها به اروپا محدود نیست. در کشورهای اسلامزده و بخصوص در جمهوری اسلامی که مذهب در قدرت است رویگردانی از مذهب ابعادی سیاسی و اعتراضی بخود میگیرد و اکثریت عظیم مردم حتی آنان که هنوز بخدا اعتقاد دارند، اسلام حاکم را نمیپذیرند. اما به سختی میتوان حساب اسلام سیاسی حاکم را از اسلام عقیدتی و خرافات و باورهای اسلامی جدا کرد. مخالفت با اسلام حاکم خواه ناخواه به نقد و رد اسلام عقیدتی منجر میشود و این روندی است که در خلوت شدن مساجد و به مسخره گرفته شدن مقدسات و امامها و اخلاقیات مذهبی

## جان تک تک کارگران عزیز است

کاظم نیکخواه



میشوند. در شرایط نبود ابتدایی ترین تأمینات اجتماعی با مرگ این کارگران خانواده و بازماندگان آنها نه فقط دچار مصیبتی بزرگ میشوند بلکه معمولاً تنها نان آور خود را نیز از دست میدهند. حکومت اسلامی و کارفرمایان اگر زیر فشار اعتراضات قرار نگیرند حتی از تأمین زندگی بازماندگان این قربانیان نیز خودداری میکنند. برای اینها کارگر منبع سود و پول است و جان و زندگی ارزشی ندارد. جان باختن هر کارگری این را مورد تأکید قرار میدهد که ما کارگران باید برای بهبود شرایط کار بجنگیم و دولت و کارفرمایان مفتخور را برای سرمایه گذاری روی ایمنی شرایط کار زیر فشار مداوم و متحذانه قرار دهیم. زندگی تک تک کارگران ارزشمند و عزیز است.\*

میکند. این آمارها مربوط به سال ۹۳ است. و یک چیز روشن است. تعداد واقعی کارگرانی که جانشان را حین کار از دست داده اند از این آمارها بسیار بیشتر است. زیرا حکومت اسلامی نمیخواهد اعتراف کند که شرایط کار در ایران غیر استاندارد و برده وار است و هر روز شماری از کارگران جانشان را از دست میدهند. سرمایه داران و حکومتشان مفتخوران بی خاصیتی هستند که در واقع خون کارگر را میمکنند و پرور

قائلند. سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی آمار تلفات سال ۹۳ را تنها ۱۲۰ نفر اعلام کرد. اما وزارت کار جمهوری اسلامی آمار تلفات را حدود ده برابر این میزان یعنی ۱۱۵۰ نفر گزارش کرد. ولی پزشکی قانونی آمار کشته شدگان را ۷۴۱ نفر بیشتر از این یعنی ۱۸۹۱ نفر اعلام نمود. همه اینها ارگانهای جمهوری اسلامی هستند ولی بسته به مصالح چورتکه می اندازند و شمار کارگران کشته شده را این طرف و آن طرف

خانواده و بستگانی هم ندارند. رقمی هستند در میان سایر ارقام. تازه معلوم نیست رقم واقعی چقدر بیش از این تعداد است. علاوه آیا طی این مدت در سایر شهرها و استانها چند صد نفر کارگر قربانی شرایط نا امن کار شده اند؟ در این زمینه نیز آمار دقیقی وجود ندارد. برای نمونه آمارهای که برای تلفات در سال ۹۳ داده اند بسیار متفاوت است و نشان میدهد که نهادهای حکومتی تا چه حد برای جان کارگران و زندگیشان ارزش

مدیر کل پزشکی قانونی اصفهان ابراز خوشحالی کرده است که طی ۹ ماهه امسال یعنی سال ۹۴ فقط ۷۷ نفر در اصفهان جانشان را حین کار از دست داده اند. همین ایشان میگوید طی این مدت ۲۱۲۵ نفر نیز بخاطر مصدومیت به پزشکی قانونی ارجاع داده شده اند. اینکه این مصدومین دچار چه سرنوشتی شده اند معلوم نیست. ۷۷ کارگر در یک استان طی ۹ ماه جانشان را از دست دادند. این ۷۷ نفر نام و نشانی ندارند. گویا

## فراخوان به کارگران و مردم ایران و سازمان های کارگری

### به دفاع از ۹ کارگر معدن بافق برخیزیم

دادگاهی کردن و پرونده سازی علیه کارگران موقوفاً کارگران بی قید و شرط حق دارند علیه اجحاف و بیحقوقی و زندگی فقیرانه خود دست به اعتصاب و اعتراض بزنند، متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند.

حزب سازمان های کارگری در سراسر جهان را فرامیخواند که اذیت و آزار کارگران اعتصابی را محکوم کنند و خواهان لغو هر نوع پرونده سازی علیه کارگران بافق و سایر کارگران و مردم معترض شوند. بخواهند که کارگران و معلمان زندانی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ دیماه ۱۳۹۴، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶

خانواده های کارگران در تحصن سال قبل اعلام کردند که کارگران زندانی باید بدون قید و شرط و وثیقه ای آزاد شوند و حکومت و ارگان هایش را تسلیم خواست خود کردند. اما حکومت با پرونده سازی علیه آنها، شمشیر دادگاه و محاکمه را بالای سر کارگران نگهداشت.

فاصله بین دادگاه اول و دادگاه دوم که حدود نیمه بهمن قرار است برگزار شود، فرصتی است که به هر شکل میتوانیم از این ۹ کارگر حق طلب حمایت کنیم و ارگان های حکومت را وادار کنیم دست از سر آنها بردارند و پرونده را مختومه اعلام کنند. حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران، دانشجویان، تشکل های کارگری و آزادیخواه در ایران و خارج کشور را فرامیخواند

به هر شکل که میتوانند با کارگران معدن و ۹ کارگری که قرار است مجدداً به بیدادگاه حکومت کشانده شوند اعلام همبستگی کنند. کارگران معدن بافق و خانواده هایشان و سایر زحمتکشان بافق را فرامیخوانیم بار دیگر دست در دست هم به میدان بیابند و اعلام کنند که هر نوع

جمهوری اسلامی برای ۹ کارگر سنگ معدن آهن بافق که تابستان سال قبل دست به اعتصاب زده بودند. پرونده سازی کرد و روز ۲۷ دیماه آنها را به دادگاه کشاند. دادگاه آنها را به اخلاص نظم و به تعطیل کشاندن معدن متهم کرد و جلسه دوم دادگاه را به حوالی نیمه بهمن موکول کرد. این کارگران قبلاً دستگیر شده بودند اما با اتحاد محکم ۵۰۰۰ کارگر معدن و تحصن خانواده های آنها و حمایت مردم شهر، حکومت مجبور شد آنها را بعد از چند روز آزاد کند.

محاکمه ۹ کارگر اعتصابی، یک گستاخی و بیشرمی تمام عیار توسط حکومت اسلامی سرمایه داران علیه کارگران و مردم است. محاکمه ۹ کارگر اعتصابی محاکمه ۵۰۰۰ کارگر حق طلب بافق و خانواده های آنها توسط مفتخوران حاکم است. ارباب کارگران به منظور تسلیم شدن به فقر و بیکاری و دستمزدهای چندرغاز است. دفاع از آنها نیز وظیفه همه مردمی است که قصد رهایی از شر این حکومت و قوانین ضد کارگری و دستگاه قضایی اش را دارند. نباید به حکومت اجازه دهیم علیه کارگران حق طلبی که برای امنیت شغلی، ایمنی معادن و افزایش دستمزد اعتراض میکنند پرونده سازی کند و آنها را به دادگاه بکشاند. نباید اجازه بدهیم کوچکترین حکمی علیه آنها صادر شود.



عکس از آرشیو

## کارگران پتروشیمی های اراک، تبریز، اصفهان و ماهشهر دست به اقدام مشترک زدند

کنند. حزب کمونیست کارگری، کارگران در سراسر کشور را به اقدامات متحدانه با حضور اعضای خانواده های خود فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ دیماه ۱۳۹۴، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۶



عکس از آرشیو

که کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی در سطح کشور دارند، میتواند به الگویی برای همه مراکز کارگری تبدیل شود و جنبش کارگری را قدم بزرگی بطرف مبارزات سراسری و متحد سوق دهد. حضور خانواده های کارگری در تجمعات نیز که از یک سال و نیم گذشته در حال گسترش بوده است وجه دیگری از پیشروی جنبش نوین کارگری را به نمایش گذاشته است. شبکه های اجتماعی نقش مهمی در اقدام متحدانه کارگران پتروشیمی داشته و مشوقی برای سایر مراکز کارگری است که هرچه بیشتر از این امکان برای متشکل کردن خود استفاده

امروز ۲۷ دیماه ۳۰۰ نفر از کارگران پتروشیمی های اراک، تبریز، اصفهان و پتروشیمی امیرکبیر در ماهشهر در اقدامی مشترک دست به تجمع اعتراضی در مقابل وزارت نفت در تهران زدند و به نمایندگی از جانب هزاران نفر از همکاران خود خواهان پیگیری خواست های خود شدند.

این اعتراض در ادامه مبارزات طولانی مدتی است که این کارگران بدنبال واگذاری پتروشیمی ها به بخش خصوصی شروع کرده اند. کارگران خواهان امنیت شغلی هستند و به شرایط نامناسب بازنشستگی خود اعتراض دارند. در ماههای گذشته کارگران این پتروشیمی ها بارها دست به تجمع زده ولی وزارت نفت تاکنون از هرگونه اقدامی خودداری کرده است.

اقدام متحدانه پتروشیمی ها از شهرهای مختلف کشور، یک پیشروی قابل توجه در جنبش کارگری محسوب میشود. در هفته های گذشته کارگران چندین معدن نیز دست به تجمع متحدانه زدند. این اقدامات با توجه به مشکلات مشابهی

## کارگران مس سرچشمه هم با خانواده ها آمدند

شکوهمند، مهم و حیاتی در جنبش کارگری ایران است. با تمام قوا باید به آن وسعت داد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۰ دیماه ۱۳۹۴، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶

نشانی در فراخوان خود برای تجمع اعلام کرده بودند که با خانواده هایشان دست به تجمع میزنند. حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی بدنبال تحصن خانواده های کارگران بافق ابعاد تازه ای پیدا کرده و هر روز مراکز کارگری بیشتری را در بر میگیرد. این یک روند

کارگران شرکت ارفع سازان، از شرکت های پیمانکاری مس سرچشمه، در روزهای ۲۷ و ۲۸ دیماه دست به اعتصاب زده و همراه با خانواده های خود دست به تجمع اعتراضی در رفسنجان زدند و خواهان رسیدگی فوری به خواست های خود و بطور مشخص خواهان تبدیل وضعیت استخدامی و امنیت شغلی خود و مزایای شغلی شبیه کارگران استخدامی شدند.

کارگران پس از دو روز تجمع در مقابل دفتر نظارت مجتمع مس سرچشمه و پس از اینکه مسئولان مس سرچشمه، مدیران ارفع سازان و مسئولان اداری شهر رفسنجان به آنها قول رسیدگی به مشکلات استخدامی شان دادند روز ۲۹ دیماه کار را از سر گرفتند.

پیش از این نیز مسئولان مربوطه تنها وعده می دادند و در عمل شرایط کاری ما تغییری نداشت.

آنچه در اعتراضات اخیر کارگران قابل مشاهده است حضور رو به رشد خانواده ها در تجمعات اعتراضی است. تنها در دو هفته گذشته کارگران چندین مرکز کارگری از جمله کارگران پتروشیمی های ماهشهر، معدن پادانا و معادن البرز شرقی همراه با خانواده های خود دست به تجمع زده بودند، ماه قبل نیز کارگران آتش



عکس از آرشیو



## چند نوشته کوتاه

کیوان جاوید

### تقابل دین و رفاه

مصباح یزدی: نباید ارزش‌های دینی را فدای رفاه جامعه کرد/ باید بیشترین دغدغه در نظام اسلامی مسائل دینی باشد و مسئولین باید ارزش‌های دینی و آخرت مردم را اولویت خود قرار دهند.

این هم از مومسیایی اسلامی. مسلما سران حکومت اسلامی تحت هیچ شرایطی دین را فدای رفاه جامعه نمی‌کنند. دین قرار است منافع سرمایه و آیتان‌های میلیاردر را حفظ کند. منافعی که کاهش رفاه و زدن از معیشت مردم را مطلبد. از دریاخواری تا کوه خواری تا جنگل خواری و بقول یکی از بینندگان کانال جدید خیابانها را هم فروختند تا از آن کسب درآمد کنند. مصباح یزدی ها نان خالی را هم از سفره مردم دزدیدند و درآمد حاصل از رنج و مشقت میلیونها نفر را به جیب زدند و در بانک‌های داخلی و بین‌المللی انبار کردند.

مردم ایران هم این نمایندگان راستین دین را به خوبی دیدند و ماهیت و کارکرد واقعی دین را به همه وجود خود حس کرده‌اند. حکومت اسلامی بهتر و موثر تر از هر روشنفکر و فیلسوف و متفکر بی‌خدا، مذهب را برای توده‌های میلیونی توضیح داد. وحشت همه مدافعین دین اسلام از خامنه‌ای‌ها و مصباح یزدی‌ها و رفسنجانی‌های در حاکمیت، و سروش‌ها و اکبر گنجی‌های مدافع حکومت اسلامی در حاشیه حکومت از شنیدن ناقوس مرگ مذهب است که با مبارزه روزمره مردم ایران بصاد در آمده است. راه خلاصی وجود ندارد. ایران آبدن یک رنسانس ضد مذهبی است.

### ترس از لباس

برگزاری يك شوی لباس در دانشگاه "الزهر" تهران، خشم رسانه‌های حکومتی را برانگیخته است. روزنامه‌ی "کیهان" با انتقاد از برگزاری این شو، از مسوولان این دانشگاه خواسته است با برگزارکنندگان آن برخورد انضباطی کند.

از دانشگاه‌ها بوی الرحمان حجاب و فرهنگ منحن اسلامی برخاسته است. اینها زنانی هستند که قرار بود مرعوب و منکوب حکومت اسلامی بشوند. حالا همین‌ها حکومت اسلامی را میخکوب و منکوب فرهنگ و دنیای مدرن خود کرده‌اند. زنان زندگی برابر و مدرن می‌خواهند. انقلاب ۵۷ جامعه ایران را عمیقاً شخم زد و همراه با خود زنان را با قدرت تمام وارد صحنه سیاسی کرد. حکومت اسلامی علیرغم همه جنایات سازمان یافته اش علیه زنان هرگز نتوانست این روح سرکش زنان برای رهایی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را به بند بکشد و اسیر خود کند. زنان در ایران مشت بر آسمان می‌کوبند و همه آزادی را می‌خواهند. همانطور که جمهوری اسلامی مهمترین دشمن زنان است، در آن سوی نبرد تاریخی زنان ایستاده‌اند که مهمترین دشمن حکومت اسلامی‌اند.

### بیمارستان، نوزاد را گرو گرفت

جام جم: مسئولان بیمارستانی در تهران وقتی زنی نتوانست هزینه زایمان دو قلوهایش را پرداخت کند، یکی از نوزادان را ۲۷ روز در بیمارستان نگه داشتند و او را تحویل مادرش ندادند. همین دیروز دوستی در انگلیس با شور و هیجان خاصی

حامله بودنش را به اطلاع من رساند. می‌شد عشق به زندگی و امید به آینده بهتر را در نفس‌های مادر حس کرد. نوبت به پدر رسید. انگار دنیا در مشت‌های اوست. گفتند فوراً پرنده ویژه برای مادر درست کرده‌اند تا از نزدیک مراقب سلامتی او باشند. از همین حالا همه دارو‌ها مجانی خواهد بود و منظم‌ها تحت نظر پزشک و پرستار ویژه زنان و زایمان خواهد بود. اینجا انگلیس است. جایی که تاریخی از مبارزه برای دست‌یافتن به یک زندگی انسانی با خود دارد. جایی که حرمت انسانی ذره ذره با چنگ و دندان به طبقه حاکم تحمیل شده است.

آنجا که نوزاد را برای پرداخت هزینه بیمارستان به گروگان گرفته‌اند، ایران است. کشوری تحت حاکمیت یکی از رذل‌ترین، وحشی‌ترین و ضد بشری‌ترین حکومت‌هایی که تاریخ بشری به خود دیده است. حکومت اسلامی سرمایه که جان همه ساکنان آن کشور و البته ساکنین کره ارض کمترین ارزشی برایشان ندارد.

شرط اول برای رسیدن به کرامت و حرمت انسانی در ایران تسویه حساب قطعی با این جانیان از گور برخاسته ی تاریخ بشری است.

### اولاند و یک بام و دو هوا

فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه، گفته غیرقابل تحمل است که یهودیان فرانسه از روی ترس باید دین خود را پنهان کنند.

بله آقای اولاند، رئیس‌جمهور محترم فرانسه! ما هم با شما موافقیم. اصلاً قابل تحمل نیست که یهودیان فرانسه از روی ترس دین خود را پنهان کنند. اما نگار یادتان رفته است. شما

همین روزها قرار است پذیرای یکی از خونخوارترین و فاشیست‌ترین فردی باشید که در ایران تحت حاکمیت حکومت منحوسش جان ده‌ها هزار نفر را بخاطر بی‌دینی گرفته است. هزاران بهایی را به زندان کشانده و اعدام کرده و حق تحصیل را از آنها سلب کرده‌اند. شما پذیرای نماینده حکومتی هستید که اقلیت‌های مذهبی را در ایران مورد شدیدترین آزار و اذیت‌ها قرار داده و می‌دهند. شما نمی‌توانید چشم بر جنایات این حکومت و رئیس‌جمهور همین حکومت ببندید و فرش قرمز برای او پهن کنید اما خود را مدافع حقوق یهودیان ساکن فرانسه جا بزینید. این ریاکاری شما از چشم مردم جهان و خصوصاً مردم ایران دور نمی‌ماند.

### این استخر شنا برای ما است

مسئولان يك استخر شنای عمومی در حومه شهر کلن آلمان اعلام کرده‌اند در پی شکایت زنان مسنی بر "آزار دیدن"، از ورود مردان پنهانده جلوگیری خواهند کرد.

انگار داعش و اسلام سیاسی و خود دین اسلام روی دیگر سکه سیاست‌های دولت آلمان و روی دیگر راسیسم دولتی و غیر دولتی در آلمان و اروپا است.

پناهجویانی که عموماً از دست حاکمین اسلامی و از چنگ دستجات ضد اسلامی فرار کرده و به اروپا آمده‌اند حالا باید تقاص مبارزه خود با اسلام سیاسی را به دولت‌های اروپایی پس بدهند. وقتی دول اروپایی سران حکومت ارتجاع اسلامی تانگو می‌رقصند و وسیع‌ترین رابطه اقتصادی و سیاسی را با حکومت آل سعود دارند و از هیچ فرصتی برای نزدیکی بیشتر به جمهوری اسلامی کوتاهی نمی‌کنند و از مدافعان سرسخت

نسبیت فرهنگی، و در حال کشف انواع اسلام معتدل و غیر سمی هستند، یادشان رفته که بخش اعظم این پناهجویان به آن حاکمین مرتجع نه گفته و در نبرد با آنها قرار گرفته‌اند. هزاران پناهنده سیاسی و ده‌ها هزار جوان مدرن و ضد اسلامی و غیر مذهبی را نمی‌شود با انگ راسیستی و خارجی‌ستیزی مشتمزه کننده ایزوله کرد.

### انسانیت موج می‌زند

راب لاری، سرباز سابق بریتانیایی قرار است در دادگاهی در فرانسه حضور یابد و به "کمک به مهاجرت غیرقانونی" یک کودک افغان، اقرار کند. آقای لاری در ماه اکتبر ۲۰۱۵، در حالی که بهار احمدی، کودک چهارساله افغان را در کامیون خود پنهان کرده بود، از سوی پلیس مرزی فرانسه بازداشت شد.

این از دولت‌های اروپایی که دور اروپا را سیم خاردار کشیده‌اند و باعث مرگ و میر هزاران انسان بیگناه می‌شوند، باعث مرگ کودکان و خانواده‌های آنها در دریاها می‌گردند و اسم خود را انسان و نظام سیاسی خود را انسانی می‌نامند.

آن‌هم از یک انسان شریف که بعد از مرگ تراژدیک آیلان (کودک سه‌ساله سوریه‌ای) که همه اندوخته مالی اش را جمع کرد تا بتواند کامیونی بخرد و به این وسیله به پناهجویان نیازمند کمک کند.

حالا این مرد بزرگ قرار است دادگاهی و مجازات شود. اما همین جریان محاکمه به عرصه جدالی دیگر بین انسانیت و حاکمین سرمایه شده است. هم اکنون دهها هزار نفر طوماری را در دفاع از راب لاری امضا کرده‌اند تا مانع از محاکمه او شوند. انسانیت در جهان موج می‌زند.\*



**WE STILL NEED MARX**  
**TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wcpi.org



## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank  
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل گلپرینان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## شما به اعدام احترام بگذارید ما هم به شما!

کاظم نیکخواه

کالچرالیسم" یا چند فرهنگی است که وسیعا در جوامع غربی بعنوان یکی از "حقوق و دستاوردهای انسانی" رایج است و حتی در جاهایی تدریس میشود. اول مردم را به مذاهب و اقوام مختلف و فرهنگهای مختلف تقسیم میکنند. و بعد میگویند هر کس به فرهنگ خودش. بر همین اساس باید به اسلام و مذهب و صیغه و سربریدن با شمشیر و قوانین شریعه و ناموس پرستی و امثال اینها بعنوان فرهنگ اسلامی احترام گذاشت. داعش هم همین را میگوید. آخوندهای جمهوری اسلامی هم هر روز دارند همین را میگویند که به فرهنگ و سنتهای ما در مورد اعدام و صیغه و ازدواج کودکان و اعدام کودکان احترام بگذارید. و اتفاقا دولتهای غربی به این "فرهنگ ها" یا جنایات تماما احترام میگذارند. این مردمند که شیوخ عربستان و آخوندهای ایران و کل ارتجاع کثیف دینی را زیر ضرب قرار میدهند و به فرهنگ کذابی شان مطلقا احترام نگذاشته و نمیگذارند. مردم دنیا از دولتهای غربی انتظار ندارند که در همه جای دنیا از جمله عربستان انسانیت و حقوق انسانی را جاری کنند. این دولتها منافع و مصالح اقتصادی و دیپلماتیک و سیاسی شان را در زیر همین نوع ایدئولوژی ها و تئوریهای مثل پست مدرنیسم و مولتی کالچرالیسم توجیه میکنند. شیوخ عربستان از سرمایه داران بزرگ انگلیس و کشورهای غربی هستند و در سایه همین سرمایه ها و پولهای میلیاردی نفت و غیره است که "احترام" را هم به راحتی از دولتها میخرند و زبانشان را دراز میکنند. حقوق انسانی در همان حد هم که در

شمشیر از جانب وزیر امور خارجه عربستان و منطقی که پشت آنست از نظر هر انسان معمولی بی نهایت مسخره و چندش آور است. چرا باید کسی به سربریدن حدود ۱۶۰ نفر در سال گذشته که بنا به یک گزارش خیلی هایشان از کارگران خارجی بودند احترام بگذارد؟ چرا باید کسی يك ذره به سنت کثیف و شنیع و ضد انسانی صیغه و عقب ماندگی و جنایت و دزدی و سنت های اسلامی و برده دارانه احترام بگذارد؟ اما هرچند هم این درخواست شیخ عادل الجبیر مضحك بنظر برسد این بطور واقعی سیاستی است که دارد عملی میشود. این منطق و ایدئولوژی حاکم در مناسبات دولت انگلستان و دولتهای غربی با دولتهایی مثل عربستان و جمهوری اسلامی و همه دولتهای دیگر است: ما به فرهنگ شما احترام میگذاریم و شما به فرهنگ ما. و این استنتاج از همان فلسفه مشهور "مولتی

وزیر خارجه عربستان شیخ عادل الجبیر در يك مصاحبه با کانال ۴ تلویزیون انگلیس خطاب به دولت انگلیس در مورد اعدام ها در عربستان میگوید "شما اعدام نمیکنید ما احترام میگذاریم، ما اعدام میکنیم شما هم احترام بگذارید!" میتوان در همین راستا از زبان وزیر خارجه لیست بلندبالایی را ردیف کرد: شما به زنان اجازه رانندگی میدهید ما احترام میگذاریم ما به زنان اجازه رانندگی نمیدهیم شما احترام بگذارید. شما به مخالفین اجازه حرف زدن میدهید ما احترام میگذاریم ما امثال رایف بدایو را به ده سال زندان و هزار ضربه شلاق به جرم مخالفت با اسلام محکوم میکنیم شما احترام بگذارید. والی آخر در مورد صیغه، ازدواج کودکان، سنگسار و حق مرد برای داشتن چندین زن و بقیه مسائل هم همین درخواستهای وزیر خارجه در مورد احترام مطرح میشود. فراخوان احترام به سربریدن با

## کمک مالی به تلویزیون کانال

جدید، سری ۲

کیومرث صبری ۵۰ دلار	صمیمانه از همه دوستانی که به فراخوان کمک به کانال جدید پاسخ مثبت دادند و سهمی از این کمک را بعهده گرفتند قدردانی میکنیم و دست همه این عزیزان را میفشاریم.
کاوه عمر ۵۰ دلار	امیر زاهدی ۵۰ دلار
خه بات مجید ۵۰ دلار	سحر تیمام ۲۰۰ دلار
بهروز بهاری ۸۰ پوند	یدی محمودی ۲۰۰ دلار
مریم و جمال صادقی ۷۰ یورو و ماهانه ۲۰ یورو جمعا ۶۷۰ یورو	هزار علیپور ۱۰۰ دلار
هادی سیاهپوش ۲۰ یورو	فروغ ارغوان ۲۰۰ دلار
کاوه عمر ۵۰ دلار	محسن ابراهیمی ۱۰۰ دلار
ناصر اصغری ۶۰	بانو ۲۰ دلار
جمع این لیست به یورو ۱۵۰۰ یورو	
جمع کل کمک به کانال جدید ۳۷۸۰۰ یورو	

مردم اینست که این دولتها به بهانه وجود داعش و تروریسم اسلامی و قوانین شریعه در ایران و عربستان به دستاوردهای حقوقی و رفاهی مردم در کشورهای غربی دست درازی نکنند. و این انتظارات نیز طبیعا با مبارزه تحمیل خواهد شد.\*

دنیا از جمله در انگلستان عملی شده حاصل مبارزه یا دولتهاست نه حاصل مرحمت دولتهای بورژوازی. انتظار مردم اینست که این دولتها با توطئه گری مانع تلاش و مبارزه مردم برای عقب راندن امثال شیوخ سعودی و جمهوری اسلامی ایران و بشار اسد و امثال اینها نشوند. انتظار

## ۱۲ زندانی محکوم به اعدام را دو بار به سلول مرگ منتقل کردند و بازگرداندند!



کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۰ ژانویه ۲۰۱۶

حکومتی صورت میگیرد. در حقیقت اعدام مواد مخدري ها يك امر كاملا سياسي است. در کنار آن اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی که صورت میگیرد برای زهرچشم گرفتن از مردمی است که به جمهوری اسلامی نه میگویند. زهر چشم گرفتن از صدها هزار معترضی است که به دین و مذهب و قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی نه میگویند. در مقابل باید جنبش علیه اعدام در ایران را تقویت کرد و چوبه های دار را بر سر حاکمین و قاتلین رژیم ایران خراب کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه مردم آزادی خواه و شریف در ایران میخواهد که به صفوف جنبش علیه اعدام بپیوندند و در مقابل ماشین کشتار جمهوری اسلامی بایستند و چوبه های دار بر سرشان خراب کنند.

شود یا نه! هر چند در بسیاری از موارد خانواده مقتول رای به بخشش داده و این جنبش انسانی را که «جنبش بخشش» اسم گرفته است را تقویت کرده و به نوعی به کلیت و ماهیت اعدام نه گفته اند. اما یکی از دسته های بزرگ زندانیان که اعدام میشوند مجرمین مواد مخدر هستند که در واقع لشکر ذخیره اعدامیان در ایران میباشند. اعدام مجرمین مواد مخدر امری اجتماعی و مبارزه با مواد مخدر نیست. همانطور که خود مسئولین رژیم میگویند آمار اعتیاد در ایران رو به رشد است و اعدام و دستگیریهای گسترده قاچاقچیان و پخش کنندگان مواد مخدر باعث نشده است که جلو قاچاق و پخش مواد مخدر را بگیرد. واضح است که قاچاق مواد مخدر زیر نظر باندهای

روح و زندگی را از آنها گرفتند. این در نوع خود شکنجه ای وحشتناک است. زندان های ایران به قتل گاه جمهوری اسلامی تبدیل شدند و سازمانهای حقوق بشری بین المللی برای این که مذاکرات دول غربی با قاتلین مردم ایران بهم نخورد سکوت کردند و لام تا کام حرف نزدند. پس از اجرایی شدن برجام زندان ها همچنان قتل گاه جمهوری اسلامی هستند و برای گرفتن جان انسان ها در سلول های مرگ به صورت سیستماتیک در حال برنامه ریزی هستند و آن سکوت بین المللی همچنان پابرجا است. حکومت اسلامی در پرونده های قتل، خانواده مقتول را شریک جرم خود میکند و به آنها حق میدهد که در باره سرنوشت قاتل تصمیم بگیرند که کشته

به گزارش دبیرخانه کمیته بین المللی علیه اعدام روز شنبه ۱۹ دی ماه ۱۲ زندانی که به اتهام قتل به اعدام محکوم شده بودند، جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند که بعدا به دلایل نامعلومی اجرای حکم این زندانیان متوقف شد و به بند خود بازگردانده شدند. بار دیگر در روز دوشنبه ۲۸ دی ماه این ۱۲ زندانی جهت اجرای حکم، مجدداً به سلول انفرادی منتقل شدند که این بار هم اجرای حکم اعدام این زندانیان متوقف شد. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با صدور حکم اعدام برای این زندانیان هر لحظه از زندگی خود و خانواده هایشان را به کابوس مرگ تبدیل کرد. دو بار منتقل کردن آنها به سلول مرگ به معنای دوبار کشتن آنها است. دوبار جسم و

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود